خوانش

خوانش شعری از پرویز بیگی حبیب‌آبادی

درک متن و دانش کلمات

* حمیدرضا شکاری

نه هزار پا
هزار پا دارد
نه انسان
دو پا (۱)

طبق آموزه‌های «سوسور» می‌توان شعر را نوعی خاص از به کارگیری زبان و در نتیجه نوعی گفتار دانست. گفتار اما بدون حضور و مشارکت مخاطب اصلاً وجود نمی‌یابد. به قول «باختین»، «شاعر به کمک تقابل با مخاطب است که می‌تواند شعر خود را بسنجد». در حقیقت، او شعر را فرایندی بینافردی می‌داند. «هارولد بلوم» نیز معتقد است: «معنای متن، یکی از کارکردهای

حاشیه‌ای خواندن است، نه نوشتن» و به این ترتیب، بر نقش مخاطب در معنایابی، بلکه معناسازی مجدد متن تأکید می‌ورزد. اما مخاطب چگونه معنا را در می‌یابد؟

او در ابتدا با تکیه بر تمایز دال‌ها، کلمات متن را شناسایی می‌کند. سپس با تکیه بر دانش خویش از واژه‌ها، روابط ممکن بین آنها را می‌سنجد و معنا یا معانی متن را بازسازی می‌کند و درمی‌یابد. پس مخاطب بدون دانش پیشین خویش از واژه‌ها، قادر به درک متن نخواهد بود. درست مانند متنی حاوی زبان ژاپنی برای نگارنده این نوشتار!

«پرویز بیگی» با تغییر ذهنیت ما از واژگان، می‌کوشد دانش ما از آنها را به میل متن شعرش اصلاح(!) کند و بدین ترتیب ما را به تأویل متن یا در حقیقت معناسازی در متن ترغیب نماید. او وقتی در آغاز شعر امری بدیهی را در مورد هزار پا بیان می‌کند، پروژه‌ای را آغاز کرده است که تنها با گزاره ظاهراً نادرست بعدی به انجام می‌رسد. در تقابل دو گزاره آغازین و پایانی شعر، شاعر، گزاره دوم را هم درست می‌نمایاند و این پارادوکس درست و نادرست است که محور صدق و کذب را بی اعتبار می‌کند و به همین دلیل به متن هویت شعری می‌بخشد. حالا مخاطب از سویی برای درک متن به دانش خود از کلمات نیاز دارد و از سویی دیگر به دانشی تازه از همان کلمات دست می‌یابد. به عبارت دیگر، او برای درک متن به ذهنیت متعارف خود از کلمات رجوع می‌کند و بلافاصله با فراروی از آن ذهنیت، به ذهنیت، برداشت و معنایی تازه از همان کلمات می‌رسد. پس هزارپا با آن همه پا به مراتب از انسانی تنها با دو پا ساده‌تر است. آن همه پای هزار پا شمردنی است، اما دو پای انسان (که در دانش پیشین خود از انسان در ذهن داریم) شمردنی نیست که اگر بود انسان هم به سادگی هزار پا می‌شد. این متن ما را با شخصیت پیچیده و به واقع ناشناخته انسان رودررو می‌کند. البته، دلیلی که برای چنین پیچیدگی اقامه می‌کند، در زیر عنوان حسن تعلیل قابل رده‌بندی است. بهره‌ای بکر از صنعتی کهن. این که آیا معنای مورد نظر «بیگی» با معنای دریافته من از این شعر یکی است یا نه، فاقد اهمیت است ولی مهم این است که او با خلق این متن با این ویژگی‌های خاص، هم مخاطب را به تکمیل فرآیند آفرینش شعر فراخوانده و هم مرگ خود را به عنوان مؤلف انکار کرده است!

(۱)- فصل سوم- پرویز بیگی حبیب‌آبادی- نشر تکا- ۱۳۸۷- صفحه ۱۹۶

گزارشی از وضعیت اجرای طرح اکران سینمای فرهنگی در کشور

از این جا رانده، از آن جا مانده!

*سید حبیب قائنی

اگر آنچه که به عنوان «طرح نمایش سینمای فرهنگی» از مهرماه امسال آغاز شد و با هدف حمایت از این سینما بوده، باید قبول کرد که اجرای این طرح در شکل فعلی که در آن آثار در یک یا دو سالن و حتی در بدترین شکل در یک سانس یا دو سانس به نمایش گذاشته می‌شود، نتیجه‌ای جز نابودی این سینما و گسترش و تقویت سینمای بدنه و گیشه‌ای به بار نمی‌آورد.

تصور اولیه از این طرح نوید خون تازه در رگهای مرده سینمای به اصطلاح مخاطب خاص را داشت و اینکه بالاخره فرصتی برای نمایش این دست از آثار سینمایی در میان انبوه فیلمهای مخاطب عام و گیشه‌ای به وجود بیاید، اما اجرای این طرح با نمایش چهار فیلم از مهر امسال نشان داد، مشکل این سینما قرار نیست به این راحتی ها بر طرف گردد و این گره کور همچنان نا گشودنی است!

مسؤولان سینمایی از سینمای فرهنگی دفاع کنند

تهیه‌کننده فیلم سینمایی «صداها» با اشاره به مشکلات اکران عمومی این فیلم، از تلاش جریانی برای شکست خوردن سینمای فرهنگی خبر داد.

علی واجد سمیعی گفت: سامان دادن به وضعیت اکران فیلمهای فرهنگی اتفاق خوبی است که امیدوارم در زمان آقای شمقدری رخ بدهد، اما این مشکل آن قدر جدی شده که حل آن زمان زیادی می‌گیرد. مسؤولان قول داده‌اند تا با سینمادارها و مدیرانی که در این زمینه مسؤول هستند، صحبت کنند و راه حلی برای این مشکل بیابند.

تهیه‌کننده «صداها» افزود: در نبود رئیس شورای صنفی و اعضای این شورا امیدوارم دیگر مسؤولان به فکر حل این مشکل باشند، زمانی که آقای مهدی کرمپور درباره اکران «صداها» در گروه فرهنگی صحبت کرد وعده داد فیلم در چهار هفته و سه سانس در روز روی پرده برود و پس از چهار هفته وضعیت فیلم را کف فروش تعیین کند.

این تهیه‌کننده با اشاره به خسارتهایی که به فیلم وارد شده، گفت: باید کسانی که از قوانین تخطی می‌کنند مجازات و جریمه شوند، این گونه قانون شکنی‌ها حقوق سینماگران و تهیه‌کنندگان را ضایع می‌کند، اگر شرایط مساعد نشود «صداها» را از پرده برمی‌داریم. به این شیوه فیلم نادیده گرفته می‌شود و در حق سازندگان آن ظلم می‌شود.

وی افزود: در پشت پرده این جریان آدم هایی هستند که ناجوانمردانه فیلمهایشان را اکران می‌کنند و در جدالی نابرابر سینمای فرهنگی را متهم به بی‌مخاطبی می‌کنند. امیدوارم مسؤولان سینمایی مقابل این جریان بایستند و از سینمای فرهنگی دفاع کنند.

طرح بر روی کاغذ قشنگ است

یک کارگردان سینما درباره مشکلات پیش آمده در نمایش فیلمهای خاص به خبرنگار ما می‌گوید: مشکل نمایش فیلمهای مخاطب خاص تنها با یک روش بر طرف نمی‌شود، بلکه باید یک مجموعه اقدامهای هماهنگ صورت پذیرد تا مشکلات رفع شود.

سیامک شایقی با اشاره به اینکه مشکل نمایش تنها شامل حال فیلمهای فرهنگی نیست افزود: مشکلی که در نمایش فیلم «صداها» پیش آمده نمونه‌ای از مشکلات متعدد نمایش فیلم در کشور است و تنها مختص این فیلم نیست.

وی افزود: طرح بر روی کاغذ قشنگ و کامل به نظر می‌رسد، اما در عمل اتفاقاتی رخ می‌دهد که ما را از اصل طرح دور می‌سازد.

کارگردان فیلمهای «خواب زمستانی» و «باغ فردوس پنج بعد از ظهر» تصریح کرد: اگر این نوع فیلمها دارای اکران مناسب و یک گروه مشخص در نمایش باشند بی‌شک فروش به مراتب بهتری پیدا می‌کنند، اما وقتی شرایط به گونه دیگر رقم می‌خورد همگی ناراضی هستند.

شایقی در ادامه افزود: ما باید پیش از آنکه به مرحله از بین رفتن سینمای مستقل و فرهنگی برسیم، راه حل مناسبی برای این مسأله اتخاذ نمائیم.

نباید نسبت به ضرر سالنهای سینما بی‌تفاوت باشیم

سخنگوی شورای صنفی نمایش و عضو هیأت مدیره انجمن سینماداران درباره اجرای این طرح می‌گوید: اگر فیلمهای فرهنگی یا به تعبیربرخی خاص، در سینماهای مشخصی اکران شوند، هم تکلیف مخاطب مشخص است که می‌داند در یک پروسه زمانی طولانی تر نسبت به سایر فیلمها می‌تواند فیلم مورد علاقه خود را در چند سالن مشخص تماشا کند و هم سازندگان چنین فیلم هایی می‌دانند برای چه افرادی قرار است فیلم بسازند.

محمدرضا صابری می‌افزاید: به دلیل اینکه فیلمهای فرهنگی، مخاطب خاص خود را دارند، نمی‌توان انتظار داشت که در یک پروسه زمانی کوتاه‌تر مانند بقیه فیلمها بتوانند مخاطب جذب کنند و به فروش قابل قبولی دسترسی پیدا کنند.

وی می‌گوید: اما اجرای طرح اکران فیلمهای فرهنگی بدون اختصاص یارانه به سینماهای منتخب این برنامه، موفق نخواهد بود.

وی در ادامه تصریح کرد: این طرح، کمکی به سازندگان این فیلمها برای جذب مخاطب و همچنین ایجاد تسهیلات بیشتر و بهتر برای مخاطبان است، اما اگر خواستار نمایش این دست آثار و امکان دیدن آنها برای مخاطبان محدودشان هستیم، باید نسبت به ضرر و زیان سینماهای نمایش دهنده نیز بی‌تفاوت نباشیم. برای اجرای موفق و بدون دغدغه این طرح باید نهادهای مسؤول یارانه مناسب برای این سالنها در نظر بگیرند.

این طرح جوابگو نبوده است!

مدیرکل اداره نظارت و ارزشیابی معاونت سینمایی در گفتگو با خبرنگار ما در این باره می‌گوید: انتقادها نسبت به وضعیت نمایش فیلمهای به اصطلاح مخاطب خاص درست و به حق است، چرا که برنامه‌های موجود جوابگوی این دست از فیلمها نیست.

علیرضا سجادپور با انتقاد از قرار دادن عنوان سینمای فرهنگی به این نوع فیلمها تصریح کرد: عنوان «فیلم فرهنگی» به این طرح ابتکار رسانه‌ای بوده و درست نیست، چرا که همه فیلمها باید فرهنگی باشند و تفاوتی این مسأله در تعداد مخاطبان آن ندارد بلکه باید به این فیلمها که ذائقه خاصی را جوابگو هستند همان اصطلاح فیلم مخاطب خاص داده شود.

وی درباره مشکلات نمایش این فیلمها گفت: درباره نمایش همه فیلمها شورای اکران که یک صنف غیر دولتی است، تصمیم می‌گیرد وما تعامل مشاوره‌ای با آنها داریم و باید آنها برای رفع این مشکل راهکار بهتری اتخاذ نمایند.

مدیر کل اداره کل نظارت و ارزشیابی معاونت سینمایی در ادامه تصریح کرد: معتقدم راهکار فعلی پاسخ مناسبی برای مشکلات نبوده و نشان داده که همچنان عوامل سینما با اجرای آن مشکل دارند، چرا که قرار بود این طرح با نمایش چهار فیلم آغاز شود که سه فیلم کناره‌گیری کردند و عوامل فیلم چهارم- صداها- از وضعیت نمایش ناراضی هستند.

وی افزود: قرار است بزودی مسؤولان و اعضای شورای اکران راهکار تازه‌ای در این زمینه اتخاذ نمایند تا مشکلات موجود رفع گردد.

زبان تصویر

نگاه به عکسی از «مصطفی پیوندی»

نجابت تسخیر یافته زندگی روستایی

* کیارنگ علایی

یکی از دسته‌بندیهای عکاسی معاصر که در این سالها بیش از همیشه مورد توجه عکاسان قرار گرفته، نوعی از عکاسی صریح، بی‌واسطه و ساده از زندگی روستایی است. در این سالها با تنوع زیادی از عکسهایی روبرو شده‌ایم که فضای خانه، معماری بدوی و جذاب روستا، پوشش یا مراودات زندگی روستایی را به تصویر کشیده‌اند. به نظر می‌رسد با اینکه نگاه مخاطبان در هر کتاب و نمایشگاه و جشنواره‌ای از این تصاویر اشباع است، اما باز تصویری ساده از طاقچه خانه‌های روستایی یا حکایت مکرر انتظار پیرزنان روستایی برای بازگشت مرد از سر کار به خانه، هنوز روایتی جذاب است که مخاطبان خاص خود را دارد.

دلیل اقبال چنین دسته‌بندی به راستی روشن نیست و ریشه‌های آن را باید در نوعی روانشناسی اجتماعی جستجو کرد، اما شخصاً دلایل این بخت عمومی را در چند مسأله می‌دانم:

۱- ریشه های تاریخی این نوع عکاسی و میل به کشف دنیاهای جدید

امکاناتی که عکاسی در جستجوی ناشناخته‌ها ارائه می‌کند، چیزی است که از اواسط قرن نوزدهم مورد توجه عکاسان زیادی قرار گرفت. کشفیات جدید رازهایی را در جهان آشکار می‌کرد که فراتر از فهم و تجربه انسان بود. عکاسان در این دوره به شدت به ثبت تصاویری بسیار ساده از سرزمینهای ناشناخته و حوادث فوق العاده، گرایش نشان دادند. در این زمان بود که «عکاسی سفری» به عنوان تلاشی جدید و مهم به وجود آمد. اروپا، خاورمیانه، آسیا، آفریقا و خاور دور و اقیانوس آرام، موضوعات تمام نشدنی برای ماجراجویی‌های عکاسانی بودند که در زمینه تحقیق بر قوم شناسی اهتمام داشتند. این نوع عکاسی که عمیقاً با عکاسی مستند، پیوندهای نزدیکی دارد، در سالهای ۱۸۵۰ تا ۱۸۶۰ با تلاش عکاسانی چون Maxime Ducamp، Francis Bedford و Francis Frith گسترش یافت.

این نوع عکاسی در لایه های زیرین خود به photography Social and calture نیز معتقد و وفادار است. در اواخر قرن گذشته نیز جریانهای قوی عکاسی آماتوری به گسترش بیشتر این نوع عکاسی کمک کردند. در این زمینه می توان به آثار خوب Ravilious

James از عکاسان معاصر در دهه های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ اشاره کرد.

۲- زیبایی شناسی روستا: سرمشق عکاس

یکی از مکانهایی که حضور در آن به تولید عکسهای زیبایی شناسانه زیادی منجر می‌شود، روستاست. هندسه ساده زندگی روستایی و آن بخش از اصالتهای زندگی که هنوز در روستاهای ما زنده باقی مانده‌اند، دستمایه های خوبی برای عکاسان است. روستا همواره در این سالها مورد توجه عکاسان آماتور و حرفه‌ای بوده است. برای نمونه، می‌توان به انبوه تورهای تفریحی مؤسسات گردشگری و حتی تورهای هدفمند عکاسی در این سالها اشاره کرد که توسط مجله های معتبر عکاسی برگزار شده و مقصدشان روستاهای مختلف بوده است.

۳- توجه خاص جشنواره های داخلی و خارجی به این عکسها

«خانه های روستایی، فرهنگ روستا، تولید در روستا، زنان روستایی و...»؛ اینها همه از موضوعهایی است که در این سالها به کرات در جشنواره‌های داخلی مطرح شده، نگاه عام اکثر جشنواره‌های خارجی نیز به ما ایرانیان در همین موضوع‌ها خلاصه می‌شود. بد نیست بدانید که بخت این عکسها در داوری جشنواره‌های بین المللی بسیار بیشتر از عکسهای انتزاعی، ذهنی، و متکی بر زیبایی شناسی تصویر است که با تسلط تکنیکی عکاس ثبت شده است.

به نظر می‌رسد جشنواره‌های خارجی اصرار زیادی دارند که تصویر ما ایرانیها همچنان یک زندگی پیش پا افتاده باشد که در حسرت پیشرفتهای تکنولوژیک دست و پا می‌زند!

۴- وقت فراوان و آفتاب تابان روستا

در این نوع عکسها با شکلی از گرایشهای افراطی در گریز از شهرنشینی مواجه هستیم که نگاه مخاطب را به بخش دست نخورده‌ای از زندگی رهنمون می‌کند.

سکوت و خلوت زندگی روستایی و جدایی آن از چارچوبهای زندگی شهری و شتابی که زندگی شهری بر ما دیکته می‌کند، در کنار هوای پاک روستا به عکاس اجازه می‌دهد در این مکانها به راحتی دست به دوربین ببرد و وسوسه ثبت این صحنه‌ها را تجربه کند.

عکس «مصطفی پیوندی» عکاس جوان و کوشای مشهدی، به سادگی در این دسته بندی قرار می‌گیرد. صحنه اتاقی روستایی را نشان می‌دهد که در اولین نگاه، تلویزیون در گوشه چپ قاب چون وصله‌ای ناچسب به این زندگی در آن دیده می‌شود. نور صبحگاهی از پنجره سمت راست اتاق که خارج از قاب قرار دارد به داخل تابیده و صبحی آرام را خبر می‌دهد.

در گوشه سمت راست قاب نشانه هایی از زندگی سنتی ایرانی به چشم می‌خورد و دری چوبی در وسط قاب، اتاقها و سرسراهای دیگر این خانه روستایی را در ذهن ما مجسم می‌کند. «مصطفی پیوندی» زاویه‌ای تخت را برای این ثبت انتخاب کرده و استفاده از فضای خالی اتاق یکی از نکات مثبت این عکس است. عکس همچنین از عواملی برخوردار است که در ذیل به آن اشاره می‌کنم:

* **رنگ:**

«رنگ» عنصری کاربردی در این عکس است که وسوسه زیستنی امن را در مخاطب ایجاد می‌کند. عکاس جوان به خوبی از نور روز که از بیرون به داخل می‌تابد استفاده کرده و کوشیده است به کنترل مناسبی از آن دست یابد.

همچنین، بازتاب این نور روی دیوار کاهگلی خانه که تمام پس زمینه تصویر را پوشانده، توسط اکسپوز بسیار عالی عکاس به رنگی گرم و دلنشین بدل شده که احساس عکس را دوچندان می‌کند.

* **سازمان‌دهی تصویر:**

پرهیز از هر عامل اضافی در تصویر که موجب انحراف بیننده از معنا و مفهوم عکس می‌شود، به عنوان اصلی‌ترین تلاش در سازماندهی تجسمی این عکس مورد نظر است. انتخاب لنز نرمال برای ثبت این صحنه و پرهیز از وسوسه‌های فواصل کانونی واید که به ثبت باشکوه این مکانها می‌انجامد، برگ برنده عکاس جوان و خوش ذوق این تصویر است.

فضای عکس بیش از اندازه خالی است و این شاید موجب ایجاد نوعی سرگردانی در خوانش عکس شود، اما تقارنی که عکاس توانسته به واسطه عناصری چون در چوبی در وسط قاب، متکا و تلویزیون در دو سمت قاب، و مهم‌تر از همه ردایی از نور در دو ضلع عمودی راست و چپ عکس که به ترتیب توسط نور پنجره و پرده پستوخانه به وجود آمده، ایجاد کند به سازماندهی آگاهانه این عکس کمک شایانی کرده و نوعی سکوت و خلوت را در قاب افقی به ارمغان آورده است.

* **هدف و موخره**

عکس «مصطفی پیوندی» بی‌اندازه ساده است. به نظر می‌رسد ورای انتخاب مکان و موضوع برای چنین عکسی، برخورد روانی عکاس با موضوع است که ما را به این عکس علاقه‌مند می‌کند.

حال این سؤال پیش می‌آید که آیا عکاس در این عکس بسیار ساده، در پی نمایش نوعی «نجابت» انسانی است؟ یا اساساً این نجابت را در تسخیر جعبه جادویی می‌داند و هراسان در از دست رفتن اصالتی پاک است؟

البته، عکس به این سؤالها پاسخ نمی‌دهد، اما ارجاعات عکاس در انتخاب زاویه دید و ترکیب و هیأت کلی عکس، ما را به نوعی همزیستی مسالمت آمیز سنت و تجدد می‌کشاند، اگر جعبه جادویی را پیش پا افتاده‌ترین نشانه زندگی جدید بدانیم!

باری، کلام آخر اینکه از «مصطفی پیوندی» عکاس جوان این عکس در آینده نزدیک باید بسیار بشنویم، چرا که قریحه و آگاهی تکنیکی خوبی در عکاسی دارد و اهتمام او نیز در این سالها قابل توجه بوده است.

خبر

«امیرقویدل» کارگردان سینما درگذشت

امیر قویدل کارگردان سینما و تلویزیون ایران ظهر دیروز در بیمارستان «پارسیان» از دنیا رفت. به گزارش ایسنا، این کارگردان از چند ماه گذشته به دلیل مشکلات ریوی در بیمارستان بستری بود.

قویدل متولد ۱۳۲۶ مشهد بود و مدرک تحصیلی فوق دیپلم فعالیت در تئاتر را داشت. شروع فعالیتش در سینما با نوشتن فیلمنامه و دستیاری کارگردان فیلم «مرگ در باران» (ساموئل خاچیکیان) در سال ۱۳۵۳ بود.

او که فیلم «بار هستی» را آماده نمایش دارد، فیلم هایی چون «رخساره»، «بندر مه آلود»، «گالان»، «دل نمک»، «ترن»، «سردار جنگل»، «میرزا کوچک خان»، «برنج خونین» و «خونبارش» را کارگردانی کرده است.

از فیلم های کوتاه او «عاشورا در مزینان» (فیلمنامه نویس) و «یک روایت کوچک» (فیلمنامه‌نویس) می‌توان نام برد.

عمده نمایش ها و مجموعه های تلویزیونی: «غارتگران» (دستیار کارگردان)، چنگک (کارگردان چند قسمت)، فوق سری (کارگردان، فیلمنامه نویس)، خانواده در ایران (کارگردان چند قسمت)، شب چراغ (مشارکت در کارگردانی) و دایره تردید (کارگردان).

برگزیدگان سی و نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد معرفی شدند

گروه هنر- سی و نهمین جشنواره بین المللی فیلم رشد و هفتمین جشنواره دانش آموزان فیلمساز طی مراسمی در تالار وحدت با معرفی آثار برگزیده به کار خود پایان داد.

در این مراسم که با حضور سیدرمضان محسن پور سرپرست وزارت آموزش و پرورش و جوادشمقدری معاون سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد، بیانیه هیأت داوران در بخشهای مختلف قرائت و نتایج آن به شرح زیر اعلام شد:

در گروه فیلم های بلند داستانی جایزه تندیس زرین جشنواره به فیلم «پنالتی» ساخته «انسیه شاه حسینی» از ایران، تندیس سیمین به «قورباغه و وزغ ها» از فنلاند، دیپلم افتخار به «زمانی برای دوست داشتن» ساخته «ابراهیم فروزش» از ایران و جایزه ویژه هیأت داوران به «هاپت» از کشور آلمان اهدا شد. در بخش فیلم های کوتاه داستانی، تندیس زرین به «آوای شامگاهی» از آلمان، تندیس سیمین به «ماهی گیری» از انگلیس، دیپلم افتخار به «آنتوان منزوی» از سوئد و جایزه ویژه هیأت داوران نیز به «آلزایمر» ساخته «امیرحسین ترابی» از ایران تعلق گرفت.

در گروه فیلم های مستند آموزشی فیلم «اسماعیلی که آمد» کاری از «فرشاد احمدی دستگردی» از ایران موفق به دریافت تندیس زرین شد و تندیس سیمین به فیلم «من HIV مثبت هستم» ساخته «کیوان فهیمی» از ایران و جایزه ویژه هیأت داوران به «جور دیگر دیدن» اثر «رضا مجلسی» از ایران اهدا شد.

جایزه تندیس زرین جشنواره در بخش فیلم های مستند به «پیتر پیر» از روسیه، تندیس سیمین به «اتاق صعود» کاری از «رضا فرهمند» از ایران، دیپلم افتخار به «هشدار حیوانات / آلودگی هوا» از آلمان و جایزه ویژه هیأت داوران به «تات و تارد» از سوئد تعلق گرفت.

دلنوازان بدون «آقاجهان» تمام می‌شود!

گروه هنر- تکتم بهاردوست: سریال دلنوازان که مدتی است هر شب از شبکه سوم سیما پخش می‌شود این شبها توانسته خیلی از بینندگان تلویزیون را با خود همراه کند.

وجود اختلاف در دلنوازان بین کاراکترهای مختلف مثل جهان، رعنا، بهزاد و... چیزی است که ظاهراً بیشتر از ماجراهای قصه بوده و کار به جاهای باریکی کشیده است.

روز گذشته یکی از روزنامه‌های سینمایی خبرداد که پرویز فلاحی‌پور به خاطر دلخوری که با سهیلی‌زاده و دیگر دست‌اندرکاران سریال پیدا کرده نقش جهان را به امان خدا گذاشته و پروژه را ترک کرده است و حتی پادرمیانی مهران‌مهام تهیه‌کننده کار هم نتوانسته کاری از پیش ببرد. بنابراین بینندگان این سریال در شبهای آینده تغییرات محسوسی را در ادامه قصه شاهد خواهند بود.

همچنین این روزنامه نوشت؛ ظاهراً قضیه چیزی بیشتر از یک دلخوری ساده است که با توجه به اینکه گروه این روزها در حال ضبط قسمتهای ۴۴ و ۴۵ سریال هستند مجبور شده‌اند از یک بازیگر بدل که شباهتهایی، دست‌کم از نماهای پشت با فلاحی‌پور دارد و دخل و تصرف در فیلمنامه داستان را جلو ببرند.

در همین ارتباط و طی تماس خبرنگار ما با فلاحی‌پور بازیگر نقش جهان، وی ضمن تأیید این خبر گفت: البته چیز چندان مهمی نبوده ولی این اتفاق در روند تولید افتاده است.

وی ادامه داد: شاید هم این اتفاق جزئی از فیلمنامه است و چیز چندان مهمی نیست.

ولی مهران‌مهام تهیه‌کننده این سریال ضمن تکذیب این خبر به خبرنگار ما گفت: هیچ اختلافی بین پرویز فلاحی‌پور و گروه نیست و این اقتضای داستان است که نقش یکی کم‌رنگ و نقشهای دیگر پررنگ شود و هیچ مشکل خاصی وجود ندارد.